

پادداشتهای
از زاین

● از چشمه خورشید (۲۲) / دکتر هاشم رجبزاده

یادداشت‌هایی از ژاپن (۲۲)

۳۸۱- مراسم آغاز سال نو به تقویم باستانی ژاپن

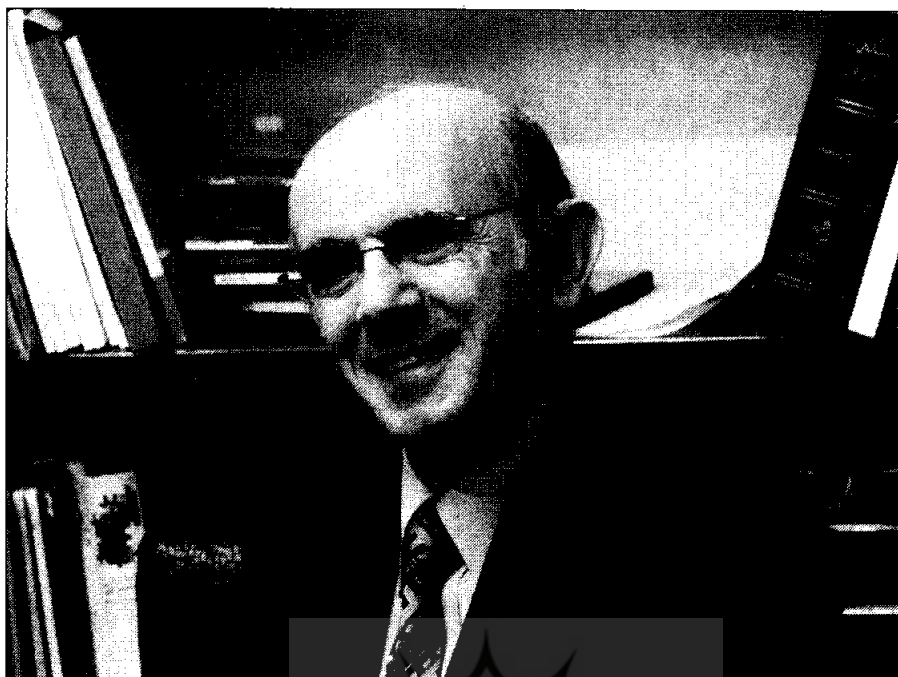
امسال (۲۰۰۹) روز ۹ فوریه (دوشنبه ۲۹ بهمن) به دعوت یکی از دوستان ژاپنی که شیفته یادگارهای قدیم است به دیدن مراسم آغاز سال نو در گاهشمار باستانی ژاپن رفتم. پارسال هم (که این جشنواره روز ۲۰ فوریه برگزار شد) رفته بودم، و می‌خواستم که این بار مراسم را با دقت و جزئیات بیشتر ببینم.

تقویم قدیم ژاپن، چنانکه سالشمار چینی، بر پایه ماه‌های قمری بوده است، و هر سه سال یک بار یک ماه (ماه سیزدهم) به سال می‌افزوده‌اند تا سال قمری را با تقویم کشاورزی و گردش فصل‌ها سازش دهند. این مراسم بازمانده‌ای است از آداب و آیین باستانی ژاپن، شیتسو، که در پای زیارتگاه کوچکی در بلندی‌های کوه یوشینو، کنار رودی به همین نام، در ایالت نارا و نزدیک آشوکا پایتخت باستانی ژاپن برگزار می‌شود.

یوشینو در تاریخ و فرهنگ ژاپن جایگاهی خاص دارد و صحنه رویدادهای به یاد ماندنی بوده و در مانیوئشو، نخستین مجموعه شعری قدیم ژاپن، هم از آن نام آمده است، از آن میان در قطعه ۳۷۵ این مجموعه که می‌گوید:

روی رود آرام «ناتسومی»

در یوشینو



● هاشم رجب‌زاده (عکس از ستاره سلیمانی)

گنج مردابی در سایه کوه

اردک‌های وحشی

همه‌امنداخته‌اند (سروده یوهارا - نوراوه کیمی، سده هفتم و هشتم میلادی)

اینجا امروزه دهکده کوچکی است که برای رسیدن به آن از راه اصلی که بیرون آمدیم بیش از یک ساعت در پیچ و خم دره‌های سرسبز و با صفا رانندیم، و مسافتی هم در کوره راه کوهستان پیاده رفتیم. میز پذیرشی با روکش سفید و آراسته کنار صخره کوه و زیر چادرپوش سرخ و سپید (که ترکیب این دو رنگ نشانه جشن و شادمانی است) گذاشته بودند، و توده هیزمی پایین میز می سوخت و فضای نزدیک را در سرمای صبحگاه کوهستان با گرمای مطبوعی دلپذیر می‌کرد. چند تن از گردانندگان جشنواره و اعضای انجمن روستا پشت میز نشسته بودند پذیرای از راه آمدگان. بسته‌ای که دو موی (شیرینی برنجی ژاپنی، که مانند سمنوی خودمان در نوروز می‌خورند)، دو چوب غذاخوری (به ژاپنی: هاشی)، یک دفتر راهنمای مراسم، یک نقشه دقیق یوشینو و یک دفترچه راهنمای مراسم با نام و نشان زیارتگاه شینتویی کیومی هارا جینجا در بسته‌بندی زیبا به هر که از راه می‌رسید می‌دادند و می‌خواستند که نامش را در دفتر یادگار مراسم امسال بنویسد. ورودیه ۵۰۰ یین ژاپن بود و برای آنهایی که می‌خواستند نامشان در مراسم

国栖と国栖奏



吉野町
国栖奏保存会



● مراسم آئینی آغاز سال نو به تقویم باستانی در یوشینو، ایالت نارا، ژاپن، ۹ فوریه ۲۰۰۹

دعا و نیایش برده شود ۱۰۰۰ یں. چون محتاج دعا هستم هزارین دادم (در میان مراسم هم که راهب شیتتو نامم را با زحمت زیاد در میان همه اسم‌های ژاپنی خواند، برای گروه زائران تفریح و تفننی بود و آنها هم دعای خیر کردند.) هوا آفتابی و مطبوع بود، و بیشتر مهمان‌های مراسم زودتر آمده بودند تا جلوتر جا بگیرند و میدان دید بهتری داشته باشند. آیین آغاز سال نو در سکوی بهن سرپوشیده‌ای میان کوه برگزار می‌شد. اینجا با پلکانی سنگی به زیارتگاه کوچکی در بالای صخره می‌رسید. کم و بیش صد نفر آمده بودند، بیشترشان مردم سالمند تحصیلکرده و اهل مطالعه مانند استادان پیشین دانشگاه‌ها و اهل قلم و هنر از زن و مرد. از جوان‌ها دو - سه تایی بیشتر دیده نمی‌شدند. نزدیک صحنه (سکوی طاقدار) جایی پیدا کردم که دید خوبی داشت. آنها که دیرتر رسیدند هر کدام روی صخره و سنگ یا کُنده درختی کنار کوه جا پیدا کردند و بر زیراندازی یا تشکچه‌ای که آورده بودند نشستند.

ساعت از یک بعدازظهر گذشت و طلایه روحانیان معبد پیدا شد، با کلاه‌های بلند لاک‌سیاه رنگ و قبا‌های گل‌بهی و کفش‌های چوبی پایه بلند لاک‌زده (گه‌تا). کفش‌ها را پای پلکان درآوردند و دو به دو روی سکو آمدند و رودرروی هم نشستند. پیشاپیش آنها سرراهب در ردایی با زمینه بنفش آمد و جلوی میز اجرای مراسم نشست. بالای سکو، جلوی پلکانی که به زیارتگاه اصلی می‌رود، دو ردیف میز بلند گذاشته و روی جلویی هفت ساز برای نواختن در مراسم چیده بودند. بر میز پشتی که پایه‌های بلندتر داشت نیازهای خوراکی چیده شده بود: بلوط، ساکۀ تازه انداخته، اژگویی (گونه‌ای ماهی)، سبزی تازه چیده، و شلتوک (برنج پاک نشده).

روحانیان شیتتو و دستیارانشان دوازده نفر بودند که به ترتیب جلو می‌رفتند و به آداب و آئین مرسوم ادای احترام می‌کردند و سوزو (زنگ‌های کوچکی وصل شده به پایه‌ای چوبی) را در دست تکان می‌دادند و در هر فاصله آواز یا سرود آئینی دستجمعی می‌خواندند که آوایی گوش‌نواز و دلنشین داشت. آنگاه دو روحانی با آداب ویژه و تکان دادن زنگ‌ها ماه‌های سال را یک به یک نام بردند و راهبان دیگر برای هر ماه مبارکباد می‌گفتند. سپس یکی‌شان نام زائران را که التماس دعا داشتند و ثبت‌نام کرده بودند، از روی دفتری بیاض مانند که با خط خوش و روی کاغذ ژاپنی خوشنویسی کرده بود خواند، و پس از ذکر هر نام دیگران به طلب برکت و سعادت «آئی‌یه» می‌گفتند. سرانجام نوبت به مقام‌های محلی (دهدار، رئیس پلیس ناحیه، مروج کشاورزی، و دیگران) رسید که نامشان را یک‌یک خواندند و روی سکو آمدند و در برابر محراب شیتتویی ادای



● مراسم آئینی سال نو باستانی در بوشینو، ۹ فوریه ۲۰۰۹

احترام کردند.

پس از استراحتی یک ساعته، مراسم پایانی جشنواره که پرتاب «موچی» (موچی زوکی) به میان جمعیت بود در میدان روستا برگزار شد. رئیس انجمن روستا خطابه‌ای خواند و چند تن از معاریف محل بر سکوی بلندی ایستادند و موچی (کلوچه برنجی) از سبزی چوبین که در دست داشتند مُشت مُشت میان جمعیت حاضر پرتاب می‌کردند، و هر کس می‌کوشید تا موچی بیشتری در هوا بگیرد، که نشانه و نمودار سال پر برکت‌تر و سعادت‌مندتر است.

طرف‌های عصر مراسم پایان گرفت، و با خاطره‌ای خوش از یک روز در یاد ماندنی راه پرییج و خم کوهستان را به سوی اوساکا در پیش گرفتیم.

۳۸۲- یاسوفوکوگو، گاو قهرمان

یاسوفوکوگو گاو نامداری بود دارای بهترین کیفیت گوشت، که غذای لطیف و مجللی «استیک» ژاپنی را آشپزان هنرمند ژاپن با این گوشت درست می‌کنند. جوهر و اصالت نژادی بنیاد کار است. اما ژاپنی‌ها با هزار فوت و فن و شگرد و شیوه، به طعم و خاصیت این گوشت افزوده‌اند. گاو را در سال‌های بار آمدنش همواره نوشابه‌ای خوشمزه

می‌خورانند و چند بار در روز پوستش را ماساژ می‌دهند. سنگ هم که باشد لطیف و نرم می‌شود. باری، این یاسوفوگکو نامدار شانزده سال پیش، و پس از آنکه پدر سی هزار گوساله شده و سهم مهمی در تولید این گوشت لطیف به نام خود رقم زده بود، عمرش را به دیگر ابنای نوع خود داد. اما مهندسان بیولوژی ژاپن با زیرکی و دوراندیشی نطفه این گاو استثنایی را ذخیره کرده بودند و در نوروز امسال، ۲۰۰۹ میلادی، توانستند پس از ۱۶ سال از اسپرم منجمد شده این گاو بی‌نظیر و با بهره بردن از فن‌آوری «شبییه‌سازی» (clown) گوساله‌هایی به دنیا بیاورند، و آزمایش‌ها نشان داد که گوشت این موجودهای تازه به همان کیفیت و لطافت گوشت پدر نامدارشان است. یاسوفوگکو پوستی داشت به سیاهی شیب و از شبق مشک‌تری، یکدست سیاه، براق، با پیکری نه چندان فربه. گفتند که تاکنون هیچ آزمایشگاه تکثیر جاندار نتوانسته بود در شبیه‌سازی و از نطفه بیش از ده سال مانده حیوانی به دنیا بیاورد، و این کار پیشرفت علمی مهمی برای ژاپن شناخته می‌شود.

۳۸۳- شکر خوردن دولتمردان

گاه سیاستگران و مدیران اقتصادی این دیار حرفی از دهانشان درمی‌آید که برای مردم یا گروه خاصی از آنها موهن است؛ و اگر کار بالا بگیرد، بخصوص وقتی که مخالفان و رقیبان بخواهند آن را دستاویز کنند، ناگزیر حرف خودشان را به راهی پس می‌گیرند، یا که اگر در جایی نوشته شده باشد می‌گویند که این همان نیست که آنها گفته بودند.

چندی پیش استاندار ایالت هیوگو، که شهر کوبه مرکز آن است، در جلسه استانداران منطقه کانسای (ناحیه میانه هونشو، بزرگترین جزیره از چهار جزیره اصلی ژاپن) گفت که اگر در ناحیه کاتو (توکیو و پیرامون آن) زمین لرزه شدید بیاید، ویرانی گسترده بار خواهد آورد؛ اما فرصت کسب و کار عالی هم برای ناحیه کانسای ایجاد خواهد شد. استاندار اوساکا، که وکیل دعاوی جوان سخنوری است، و به تازگی هم خود یکی از این سخنان قصار بر زبانش روان شده بود، در اظهار نظری گفت که سخن استاندار هیوگو بسیار نامناسب و بیجا است. فردای آن روز استاندار هیوگو به عذرخواهی برآمد و گفت که منظورش این بوده که زلزله شدید در ناحیه کاتو تا چه اندازه زیانبار و ویرانگر می‌تواند باشد؛ اما طرز بیان و انتخاب واژگان و عبارت‌پردازی‌های او خوب و مناسب نبوده است.

نخست‌وزیر ژاپن هم در این زمستان در جلسه‌ای رسمی در اشاره به مسائل تأمین اجتماعی در ژاپن و دشواری‌های چاره‌ناپذیر آن گفت که دلیلی ندارد که دولت خرج کسانی را بدهد که زیاد می‌خورند و ساکه می‌نوشند و تن به کار نمی‌دهند. به دنبال این

سخن او، موج اعتراض برخاست، و حتی صدای خودی‌ها در دستگاه حکومت درآمد. صدراعظم هم آمد و به روش مرسوم و مندرس سیاستگران گفت که حرفم را بد فهمیده‌اند (نه اینکه من بد گفته باشم)، و نظرم این بوده است که باید بیشتر به کسانی که از کار افتاده و بیمار و ناتوانند یاری کنیم. جالب اینجاست که گوینده شبکه تلویزیون سراسری ژاپن پس از ۳ تن این خبر افزود که این حرف‌ها که به تازگی نظیرش را از رئیس دولت زیاد می‌شنویم نشان می‌دهد که صدراعظم این روزها حالش خوب نیست یا که در خواندن کانجی (نشانه‌های مفهوم نگار چینی - ژاپنی) دشواری دارد. رئیس دولت چند روز پیش تر گفته بود که چون ورزش می‌کنم و هر روز صبح پیاده‌روی، مریض نمی‌شوم؛ و آنهایی که بیمارند اگر ورزش می‌کردند و به خودشان می‌رسیدند تندرست بودند (و بیهوده و بی‌جهت از دستگاه‌های درمانی و رفاهی ناراضی نباشند).

۳۸۲ - سال گاو و تمبر یادگاری

حدود چهل روز مانده به آغاز سال تازه، ۲۰۰۹، که برابر تقویم ترکی - مغولی، که در ژاپن به نام تقویم چینی می‌شناسند و روی دوازده حیوان می‌گردد، سال گاو است، پست ژاپن تمبر یادگاری سال نو را در برگگی که ده تمبر با ده نقش گوناگون لفظ «گاو» با نشانه مفهوم نگار چینی بر آن نوشته است انتشار داد. این نقش‌ها تحریر نام «گاو» را با شکل‌های متنوع نگارش آن نشان می‌دهد.

نشانه مفهوم نگار، که در خط چینی - ژاپنی به جای کلمه مرکب از الفبا در دیگر زبان‌ها به کار می‌رود، نشانه‌های قراردادی است که برای مفاهیم و موضوع‌های عینی و ذهنی وضع شده، و در واقع صورت تحول یافته و پیشرفته خط هیروگلیف قدیم، نقش کردن تصویر هر چیز برای نوشتن آن است. این خط که در ژاپنی «کانجی» خوانده می‌شود تاریخی بسیار کهن دارد، و در اصل پنج گونه است: تَنشو، ریشو، کایشو، گیو، و سوء شو. به اینها، کوکوتسو موجی را می‌توان افزود، که در واقع همان خط تصویری خام است. این «کانجی»‌ها با این طرزهای گوناگون که بر ده قطعه تمبر سال گاو نقش شده است، به نما و سبک گوناگون، همه گاو، یا به ژاپنی «اوشی» خوانده می‌شود. درباره تاریخ «کانجی» و گونه‌های آن گفته‌اند که تَنشو، نخستین گونه آن را امپراتور چین ابداع کرد. ریشو پیدا آمده در دوره هان (سلسله فرمانروایان چین در دو سده پیش از میلاد و دو سده پس از آن) و ساخته امپراتور بو است. کایشو که رایج‌ترین گونه نگارش کانجی است معمولاً در مدرسه تعلیم داده می‌شد و برای نگارش هر روزه به کار می‌آمد.

PP 日本郵政グループ PP 日本郵便

CHINESE ZODIAC CHARACTERS GREETING

干支文字切手



● نقش ده تمبیر یادگاری که پست ژاپن با نزدیک شدن سال تازه، ۲۰۰۹ که برابر سنت ترکی - مغولی سال گاو است انتشار داد. در هر یک از این تمبیرها گله گاو با نگارش های مختلف خط مفهوم نگار چینی - ژاپنی نوشته شده است.

۳۸۵- کینه دیرینه؛ روح پیچیده انسان

در میانه بحران پیامد گم شدن پنجاه میلیون پرونده سابقه بازنشستگی و بیمه رفاهی افراد، کشته شدن یک معاون پیشین وزارت رفاه و بازنشستگی و همسرش در توکیو و زخمی شدن همسر یک همتای او در ایالت سایتاما به دست مردی که به بهانه رساندن بسته‌ای به در خانه آنها رفته بود، در میانه ماه نوامبر سال ۲۰۰۸، دستگاه اداری و انتظامی ژاپن را در وحشت فرو برد. فرض این بود که این کاری است سازمان یافته به تلافی و در اعتراض به آشفتگی در نظام رفاه و بازنشستگی. اما روز ۲۲ نوامبر کویزومی ۴۵ ساله خود را به مرکز نیروی انتظامی ژاپن در توکیو معرفی کرد، و گفت که به انتقام کشته شدن سگش در سی و پنج سال پیش، دست به این کار زده است. او در آن سال‌ها دانش آموز دبستان بود، و پدرش سگ دست‌آموز خانه را که سر و صدایش مزاحم همسایه‌ها شده بود به اداره رفاه محل برد و داد تا آن را معدوم کنند. با این رویداد، زندگی این نوجوان ده ساله دگرگون شد؛ خنده از لبانش افتاد و رفتاری انزواجو پیدا کرد. او در همه این سال‌ها کینه‌اش را نگهداشته بود. در زندگی هم آدم موفق نبود؛ همیشه با مردم می‌جنگید و می‌خواست به همه درس رفتار و ادب بدهد. روانکاوان گفتند که او روحیه‌ای داشت که می‌خواست خود را نشان بدهد؛ و چون راهی به دهی نبرد، سرانجام دست به این کار زد. رفتار او هم در این روزها که به آدم‌کشی رو آورد عجیب بود. پس از مدت‌ها بی‌خبر گذاشتن مادرش از حال خود، تلفنی محبت‌آمیز به او کرد، و همان‌روز صبح پیش از معرفی خود به پلیس ویدئویی برای مرد همسایه که هرگز کلمه‌ای با او حرف نزده بود هدیه برد. می‌گویند که شگفتی‌های روح آدمی کمتر از اسرار عالم هستی نیست.

رتال جامع علوم انسانی

۳۸۶- بمباران روز آخر جنگ

چندی پیش در شصت و سومین سال آخرین بمباران هوایی اوساکا، در روز ۱۴ اوت ۱۹۴۵، یک روز پیش از پایان گرفتن جنگ جهانی دوم در جبهه شرق آسیا، مراسمی برگزار شد. در این بمباران، که ناحیه کیوباشی در مرکز شهر را ویران کرد، حدود ۶۰۰ تن کشته شدند؛ و از سال ۱۹۵۵ هر ساله آشنایان و بازماندگان آنها یادشان را در برابر بنای یادبودی که جلوی ایستگاه قطار شهری کیوباشی ساخته‌اند تازه می‌دارند. نیروی هوایی آمریکا برای از کار انداختن کارخانه اسلحه‌سازی نزدیک کیوباشی، این ایستگاه را هدف

گرفت؛ و بسیاری از قربانیان از کارکنان راه آهن بودند. تاکاتسوکا، فرزند یکی از این جانباختگان، که اکنون هفتاد سال دارد و آن روزها دانش آموز سال دوم ابتدایی بود، در دبستانی در نارابا بود، و به یاد می‌آورد که دید از آسمان در سوی غرب آتش می‌بارد، و یکی - دو روز پس از آن خبر از دست رفتن پدرش را آوردند. مادر ماند با هفت فرزند که در هنگامه قحطی سال‌های پس از جنگ در تلاش سیر کردن فرزندان بی‌پدر مانده بود، و پسر جوان همیشه با خود می‌گفت که چه می‌شد اگر جنگ یک روز زودتر تمام شده بود؛ او چند سال پیش در کتابخانه‌ای برگ اعلامیه‌ای را پیدا کرد که هواپیماهای دشمن روز پیش از بمباران بر فراز اوساکا فرو ریخته و هشدار داده بودند که به کیوباشی حمله هوایی خواهد شد؛ و فکر کرد که پدرش حتماً این اعلامیه را دیده یا شنیده و باز با احساس مسئولیت سرکارش رفته بوده است. تاکاتسوکا هر سال برای این مراسم یادبود اعلامیه درست می‌کند، و می‌گوید که می‌خواهد شمار هرچه بیشتری از جوان‌ها بیابند و مصائب جنگ را بشناسند.

۳۸۷- بیگانگان مقیم ژاپن

در چند ساله گذشته، مقیم شدن چینیان در ژاپن فزاینده بوده، و اکنون شمار آنها از ششصد هزار بیشتر شده است و پرجمعیت‌ترین گروه بیگانه در ژاپن‌اند، و کره‌ای‌ها را . در رتبه دوم رانده‌اند. شمار کره‌ای‌های دارای نوع اقامت «ویژه» (در دو گروه متناسب به کره جنوبی و کره شمالی) رو به کاهش است. دارندگان اقامت ویژه کره‌ای‌هایی‌اند که خود یا والدین آنها در سال‌های تسلط ژاپن بر سرزمین کره که تا پایان جنگ (سال ۱۹۴۵ میلادی) ادامه داشت، به ژاپن کوچانده شدند. اینان تابعیت ژاپنی ندارند، و از نظر حقوقی در وضع پیچیده و دشواری به سر می‌برند، و ژاپن آنها را «اتباع کره دارای اقامت ویژه در ژاپن» می‌شناسد؛ و شمار اینان اکنون اندکی کمتر از ششصد هزار نفر است.

برابر آمار، در پایان سال ۲۰۰۷ میلادی حدود دو میلیون و یکصد و پنجاه هزار خارجی در ژاپن اقامت ثبت شده داشته‌اند؛ نزدیک هفتاد هزار نفر بیش از یک سال پیش‌تر از آن. اکنون چینی‌ها، کره‌ای‌ها، برزیلی‌ها و فیلیپینی‌ها به ترتیب پرشمارترین ملیت‌های خارجی مقیم ژاپن هستند. در سال ۱۹۵۹، که نخستین آمارگیری سالانه خارجی‌های مقیم انجام شد، جمعیت کره‌ای‌ها و چینی‌ها به ترتیب حدود ۶۱۰ و ۴۰ هزار تن بود. این نسبت در سال ۱۹۹۷ به ۶۷۰ و ۲۵۰ هزار رسیده بود؛ و از آن پس شمار چینی‌ها تند افزایش یافته است.

بیگانگان مقیم ثبت شده به خارجی‌هایی گفته می‌شود که اجازه بیش از سه ماه اقامت در ژاپن گرفته‌اند. جز دارندگان «اقامت دائم ویژه»، از سال ۱۹۹۱ خارج‌یانی که نیاز جامعه ژاپن به آنها شناخته شود می‌توانند اجازه اقامت دائم بگیرند. شمار اینان در سال ۲۰۰۷ حدود ۴۴۰ هزار تن بود. شمار دارندگان اجازه اقامت دائم ویژه که در سال ۱۹۹۲ حدود ۵۹۰ هزار بود، رفته رفته کاهش پیدا کرده است. امروزه بیگانگان مقیم ژاپن حدود ۱/۷ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند.

۳۸۸- کلاهبرداری فالگیران

هر چه می‌گذرد، شمار بیشتری از ژاپنی‌های ساده‌اندیش و زودباور به دام فالگیران و طالع‌بین‌های حيله‌گر می‌افتند، و تا به خود بیایند مبلغ کلانی از درآمد و اندوخته‌شان را بیهوده برای سعادت نایافته و گره‌های ناگشوده زندگی از دست داده‌اند. تازگی‌ها این کلاهبرداران ترفند تازه‌ای یافته‌اند، و به مشتریان درمانده و چاره‌جوی خود می‌گویند که قدرت روحی آنها اُفت کرده است، و اینان هم به اعتماد شهرت و به تأثیر نفوذ کلامی که بسیاری از این طالع‌بین‌ها دارند فریفته افسون آنها می‌شوند. این روزها کسانی هم با نام و عنوان تازه و فریبنده به این شیادان افزوده شده‌اند، که خود را «مشاور روانی» می‌نامند و از شیوه‌های روانشناسانه هم برای خام کردن مشتریان خود بهره می‌گیرند. در بهار گذشته (سال ۲۰۰۸) مقام‌های وزارت بازرگانی و صنایع ژاپن که بر کار بنگاه‌های اقتصادی نظارت دارد، به یک مؤسسه به ظاهر دینی موسوم به کوژون - نو - هیکاری ابلاغ کردند که کسب و کار «بخت‌گردانی» خود را برچینند. بانی این مؤسسه در پوشش توَسَل به ارواح قدسی و دعا وانمود می‌کرد که بخت و سعادت را که از کسی روگردان شده است به او باز می‌گرداند به این شرط که مبلغی هنگفت در این راه نیاز کنند. در یک مورد، چهار سال پیش که زنی بیش از هفتاد ساله در هتلی نزدیک توکیو سراغ زن طالع‌بینی رفت، این حرف‌ها میان‌شان رد و بدل شد:

طالع‌بین: قدرت روحی پسترت دارد اُفت می‌کند، و نیروی حیاتی‌اش ضعیف می‌شود (اشاره به دریافت خود از کتاب طالع‌بینی چینی: «آی چینگ».)

زن: راستی؟! حالا چطور می‌شود قدرت روحی‌اش را برگرداند؟

طالع‌بین: شما باید یک میلیون ین نیاز کنید تا یک سال برایش دعا بخوانند.

زن: من که این همه پول ندارم!

طالع‌بین: خوب! حالا که وضع‌تان را می‌بینم، با شما راه می‌آیم.

سرانجام، طالع‌بین مبلغ را ۷۳۰ هزارین قرار می‌دهد، و فردای آن مادر پیر این پول را (که همهٔ پس‌انداز اوست) از حساب بانکی‌اش درمی‌آورد و دو دستی تقدیم طالع‌بین می‌کند.

یک سال پس از آن هم این پیرزن به جلسهٔ توجیهی دیگری می‌رود، و اینجا هم مرد طالع‌بین با ظاهر آراسته و درکیمونوی مردانه از سستی گرفتن قدرت روحی پسرش به او می‌گوید، و همان داستان پارسال تکرار می‌شود، و پیرزن این بار ۵۰۰ هزارین به او می‌دهد. اکنون که خبرنگار روزنامه سراغ فالگیر رفته و از او می‌پرسد که پول را برای چه گرفته است، پاسخ می‌شنود که خوب! این کار خرج دارد. باید هر صبح و شب دعا بخوانیم، و میوه و ماهی هم نثار کنیم.

یکی از طالع‌بین‌های این مؤسسهٔ بخت‌گردانی می‌گوید که حدود بیست سال پیش داوطلب این کار شد، و نخست کتاب قطوری به او دادند تا حفظ کند، و با از بر کردن مطالب آن و پس از گذراندن امتحان اجازه یافته است که وارد کار طالع‌بینی این بنگاه بشود. یکی از تعالیم یاد شده در این کتاب می‌گوید که اگر مشتری خانمی باشد باید که به او گفت که «رویت بختک افتاده، که روح بچه‌ای است که انداخته‌ای»؛ و اگر زن اصرار کند که در عمرش بچه نینداخته است، باید گفت که حتماً مادرش یا یکی از نزدیکانش این کار را کرده است.

۱۵۰

۳۸۹ - باز هم از خروس‌های دم بلند

خروس‌هایی که دم رنگارنگ آنها بیش‌تر از پنج متر و گاه تا ده متر هم می‌رسد، از جاذبه‌های شماری از باغ‌ها و خانه‌های قدیمی ژاپن، و بخصوص زیارتگاه‌های شینتو است؛ و زیارتگاه ایسه در ایالتی به همین نام، که وقف خاندان امپراتوری است، خروس‌های دم بلند زیبا، شکوهمند، و تماشایی دارد. سی و چند سال پیش در سفری به این ایالت که برای دیدار کوتاه از پیش ترتیب داده شده‌ای با یکی از بزرگان این معبد رفتم، چشم به جمال بی‌مثال این خروس‌ها روشن شد. شاید هم به افسون همین چشم‌انداز بود که هنوز فرصت مرتب کردن یادداشت‌های گفتگویم با آن مرد خدا را پیدا نکرده‌ام. چندی پیش، دیدن گزارش تازه‌ای که تلویزیون سراسری ژاپن از خروس‌های دم‌بلند در ایالت‌های اینسو و آنسوی ژاپن تهیه کرده بود، سفر یک قرن پیش را به یادم آورد (قدیمی‌ها سی و سه سال را یک قرن می‌گفتند). گزارشی بود جذاب و دیدنی با خواندن و خرامیدن و راه رفتن پرطمأنینهٔ خروس‌های دم بلند با طرح و رنگ‌های

گونگون. شماری از این خروس‌ها پاکوتاهند، و شماریشان پاهایی بلندتر اما خوش ترکیب و ورزیده دارند. آمیزه رنگ و طرح پرها، شیوه و آوای خواندن، و حرکت و حالت سر و بدن آنها هنگام آواز سر دادن، و زیر و بم و صافی و گرفتگی صدا بسیار متنوع است. مسابقه آوازی هم میان آنها گذاشته بودند که یک‌یک بر بالای نرده جایگاهشان زیر آواز می‌زدند و داورها به مهارت و استعدادشان امتیاز می‌دادند.

ژاپنی‌ها ماکیان را «نیواتوری» می‌گویند، که به معنی مرغِ باغچه و حیاط است؛ اما برای پرورش دهندگان این مرغان پرسته زیبا و دلربا که عمری به پای بار آوردن آنها گذاشته‌اند، هر یک شان گنجینه‌ای است.

۳۹۰- خدای کشتی و خدای بیسبال

بارها می‌شود که پیروزشدگان در مسابقه‌ای ورزشی یا آنهایی که به دستاورد چشم‌گیر دیگر رسیده‌اند، توفیق خود را مدیون حمایت خدای آن ورزش یا حرفه می‌دانند. در فکر عامه ژاپنی‌ها برای هر زمینه و فعالیت و کار و حرکتی خدایی هست، و این رسم و پندار از آئین شینتو و خاستگاه آن که پرستش کوه و طبیعت بوده است سرچشمه دارد، هر چند که امروزه، برابر آمار، بیشتر مردم ژاپن خود را بودایی قلمداد می‌کنند، اما سخن معروفی هست که می‌گوید ژاپنی‌ها شینتویی به دنیا می‌آیند، مسیحی عروسی می‌کنند، و بودایی می‌میرند؛ زیرا که در زمانه ما بسیاری از نوزادان را برای آرزوی عمر با سعادت و پربرکت به زیارتگاه شینتویی می‌برند و تعمیدگرنه‌ای می‌دهند. هنگام همسرگرفتن، آئین پیوند زندگی تازه - بیشتر میان جوان‌های نواندیش - به رسم و آداب مسیحی و در کلیسا که حال و هوای آن گیراتر و اثرگذارتر است اجرا می‌شود؛ و مراسم ترحیم و یادبود درگذشتگان به آئین بودایی است، البته جز برای آنهایی که رسماً مسیحی‌اند یا پیرو دینی دیگر.

چندی پیش که خبرنگاری از یکی از اعضای تیم بیسبال دبیرستان‌ها که در مسابقه‌های سراسری ژاپن به مرحله نهایی رسیده بود پرسید که درباره بختِ قهرمان شدن خود چه فکر می‌کند، او گفت: «اگر خدای بیسبال مدد کند.» قهرمان کشتی دختران هم که پس از پیروزی بر حریفان و همراه پدرش در پکن، هنگام بازی‌های المپیک ۲۰۰۸، مصاحبه می‌کرد و از خوشحالی داشت بال در می‌آورد، بُردش را نتیجه عنایت و حمایت خدای کشتی دانست.

ژاپن صنعتی با تجربه معجزه اقتصادی دهه ۱۹۶۰ که در پایان سده بیستم کباده اقتصاد اول دنیا را می کشید، و بسیاری از جهانیان به رفاه و ثروت مردم آن غبطه می برزند، واقعیت های کم و بیش پنهانی را در خود دارد که برای ناظران بیرونی، و گاه مردم خود اینجا، حیرت آور است. در یکی از روزهای تعطیل آغاز سال نو میلادی خبر از مرگ زن تنهای سالمندی دادند که در آتش سوزی خانه اش جان باخته بود. علت این آتش سوزی افتادن شمع افروخته روی کف حصیری اتاق و سرایت تند آتش به رختخواب و اثاث خانه اعلام شد. گفتند که چند ماه بود که این زن توان پرداختن بهای برق را نداشت و شب ها در نور شمع می گذراند. شهرداری در برابر درخواستش که استحقاق دریافت ماهانه و مقرری رفاهی دارد، برابر معمول، کاغذهای گوناگون داده بود که بنویسد و «با مدارک لازم» به مقام های جنت مکان تسلیم کند تا به وضعیت رسیدگی شود. روز ۱۵ ژانویه امسال (۲۰۰۹) هم مرد چهل و نه ساله ای را در آپارتمانش مرده یافتند. یک ماه از مرگش می گذشت، و کالبد شکافی بیکر نحیف او نشان داد که چندین روز غذا نخورده بود، و در یخچال خانه اش هم هیچ خوردنی یافت نمی شد. گفتند که از یک سال پیش که کار ساعتی اش را از دست داد، کار تازه ای پیدا نکرده و پرداختن کرایه خانه اش سه ماه عقب افتاده بود.

در نیمه ماه دسامبر سال ۲۰۰۸ که مردم ژاپن آماده استقبال از نوروز می شدند امواج بیکاری و نشانه های کساد اقتصادی مثل صاعقه ای ژاپن را به وحشت انداخت. با آغاز رکود اقتصادی در امریکا و اروپا و پایین آمدن سفارش خرید کالا، بخصوص اتوموبیل و ماشین آلات، توفانی واحدهای تولیدی و اقتصادی ژاپن را در میان گرفت. تیوتا که پارسال در همین روزها به خود می بالید که بالاترین رقم سود را در صنعت اتوموبیل سازی دنیا داشته است، امسال از زبان هنگفت خود گزارش داد. شمار بسیاری از کارگران، بخصوص در واحدهای کوچک صنعتی که قطعه های اتوموبیل و ماشین آلات را می سازند، با توقف فعالیت های خود از کار بازماندند یا که تولید خود را کاهش دادند، و پیش و بیش از همه کارگران موقت و ساعتی گروه گروه بیکار شدند. در تدبیری بی سابقه و اضطراری، گروه های امداد پارک هیبی یا در مرکز توکیو و روبروی کاخ امپراتوری را به اردوگاه موقت این بیکاران بدل کردند، زیرا که بسیاری شان برای اقامت یک شب در اقامتگاه های عمومی ارزان قیمت هم اندوخته ای نداشتند. آنها را در چادرهایی که رختخواب و اثاث مختصری داشت پناه دادند، و دیگ هایی میان این پارک بار گذاشته

شد که روزی دو - سه وعده به این بیکاران آواره شده غذا می داد. صحنه هایی که از این وضع در تلویزیون ها نشان دادند، وصفی را که از «سال های دمپختکی» در کتاب تهران قدیم شادروان جعفر شهری خوانده ام به یادم آورد. معاون وزیر رفاه هم به زخم این بیچارگان نمک پاشید، و در مصاحبه ای گفت: «هیچ معلوم نیست که آنهایی که پناه داده شده اند اصلاً بخوانند تن به کار بدهند.»

۳۹۲- نارنگی شیرین و فشار روجی درخت

گویا تازگی ها خریداران نارنگی، که گونه رایج مرکبات در ژاپن است، ناراضی اند و کم تر خرید می کنند و از گرانی قیمت آن شکایت دارند. در بازار عمده فروشی میوه و تره بار هم امسال (۲۰۰۹) قیمت ها ۲۰ درصد گران تر از پار سال است، چون سال کم باری است، و درخت ها کم میوه دارند. گزارشگری پی جوی علت این وضع به باغ های نارنگی و اکایاما که از نواحی مرکبات خیز ژاپن است رفت و با یکی از باغدارها گفت و گو کرد. صاحب باغ نارنگی می گفت که درخت ها هر دو سال یک بار کم میوه می دهند، و این وضع نتیجه بیکار و جدالی است میان انسان و طبیعت که از پانزده سال پیش سر گرفته است. در آن سال ها مردم کم کم خوش سلیقه تر می شدند و نارنگی شیرین می خواستند؛ و باغدارها هم راه کار را پیدا کردند. ترندشان این است که پای درخت های نارنگی پوشش وینیل می گسترند تا آب باران به زمین نرسد و ریشه درخت نتواند از زمین سیراب شود. درخت در عکس العملی طبیعی به خودش فشار می آورد تا به هر راه به میوه های رو به رشد آب برساند، و ناگزیر با دشواری آب از هوا جذب می کند. این فعل و انفعال خاصیتی دارد که نارنگی را شیرین می کند؛ اما درخت از توان می افتد و سال پس از آن نمی تواند چندان میوه بدهد، و چنین است که هر یک سال در میان کم باری دارد. جدول بررسی ها نشان می دهد که از حدود همان بیست سال پیش هر دو سال یک بار تولید و عرضه نارنگی کاهش پیدا می کند.

۳۹۳- یاد من ترا فراموش

در ژاپن دست کم هفت میلیون نفر دچار بیماری فراموشی (demencia) اند. این عارضه ابعاد گسترده پیدا می کند، و بخصوص میان زوج های سالخورده که با هم زندگی می کنند دشواری پیش می آورد. مناسبات زن و شوهرهای سالمند که دچار فراموشی می شوند گهگاه وضع فاجعه باری پیدا می کند؛ و بدترین حال وقتی است که این زن و

شوهرها نمی خواهند در خانه پیران زندگی کنند و می خواهند در خانه خودشان باشند. گزارشی تصویری زنی سالمند را نشان داد که همسرش از سالها پیش و به دنبال سکنه مغزی دچار فراموشی شد، و زن ناگزیر است از او نگهداری کند. هر روز از او می پرسد که آیا می داند که حالا کجاست و زنش را می شناسد یا نه. زن هم خود رفته رفته به عارضه فراموشی دچار می شود، و نگهداری شوهر برایش دشوارتر.

مصائب زندگی سالخوردهگان، بخصوص آنجا که با ناداری همراه است، هر روز حادتر می شود، و در سالهای اخیر موضوع و زمینه بسیاری داستانها و فیلمهای سینمایی بوده که شماری از اینها روایت سرگذشت‌های واقعی است. در این صحنه‌های مناسبات انسانی، گاهی وفاداری و صبوری و تحمل شگفت‌انگیز است؛ از این نمونه که مرد سالخوردی ده‌ها سال از زن فلج شده و در بستر افتاده‌اش پرستاری می‌کند. بی آنکه لب به شکایت بگشاید و گرفتگی و دلتنگی نشان بدهد. رویدادهایی هم هست که رویه دیگر طبیعت آدمی را باز می‌نماید.

۳۹۴ - مقایسه درآمد‌ها

تناسب میان درآمد صاحبان شغل‌ها و حرفه‌های گوناگون در هر جامعه، به گونه‌ای نمودار احوال اجتماعی آن و ارزش‌های ساخته شده در ذهن مردم و نیز نیازهای بازار کار (بیشتر در مورد حرفه‌های تخصصی‌تر) است. در بهار گذشته گزارشی در یکی از شبکه‌های تلویزیونی ژاپن، که براساس آماری حاصل یک بررسی گروهی آماده شده بود، نگاهی داشت به درآمد سالانه شاغلان مناصب و پیشه‌ها و حرفه‌های گوناگون. برخی از یافته‌های این گزارش در زیر آورده می‌شود (واحد: ۱۰/۰۰۰ ین، که در ژاپن، پس از هزارگان، واحد معمول برای شمارش است و به ژاپنی «مان» گفته می‌شود. واژه «تومان» که مغولی است از همین ریشه است):

- نماینده مجلس ملی : ۳/۰۰۰ - ۴/۵۰۰
- وزیر : ۳/۵۰۰
- نخست وزیر : ۵/۲۰۰
- وکیل دعاوی (۳۵ ساله) : ۵/۰۰۰
- ارزشیاب متون و آثار ادبی : ۲/۰۰۰
- تصویرگر کارتون ژاپنی (مانگا) : ۲/۰۰۰ - ۵/۰۰۰

- ۱/۲۰۰ - صاحب مزرعه تولید با تکنولوژی برتر
 - ۲/۵۰۰ - پزشک متخصص
 - ۴۵۰ - مامای صاحب نام و موفق در کار
 - ۴۵۰ - داروساز در بیمارستان (۲۵ ساله)
 - ۱/۲۰۰ - کارگر ماشین جمع آوردن زباله
 - ۴/۵۰۰ - راننده تریلی حمل کاشینر (خانم)
 - حدود ۵۰۰ - راننده لیموزین تجملی (دختر ۲۷ ساله)
 - ۶۰۰ - ۷۰۰ - غذا و لقمه فروش کنار خیابان در ماشین ون خودش
 - ۳/۰۰۰ - صاحب رستوران آش رشته ژاپنی (راهن)
 - ۱/۰۰۰ - فروشنده خوراک اختاپوس کباب کرده (تاکویاکی) کنار خیابان
 - ۱/۰۰۰ - طراح و برنامه ریز غذایی (خانم)
 - ۷۰۰ - ماهیگیر (با قلاب) با تجربه ۳۷ سال صید در دریا
 - ۶۰۰ - نجار متخصص ساختمان های تاریخی و زینت های آن
 - ۲۰۰ - بدکل هنرپیشگان در صحنه های خطرناک
- شما فکر می کنید چه شمار از این مردم شغل و راه گذراندن معاش خود را از روی
علاقه و عزم و اختیار انتخاب کرده اند؟

۳۹۵ - حرف و حدیث نوبل

باز امسال (پاییز ۱۳۸۷) چند تا از ژاپنی های اهل تحقیق و تدریس به مایه تلاش و همت خود و البته بخت بیدار و تأثیر زمانه سازگار و زمینه های پیدا و پنهان مقبولیت فرزندان سرزمین ساموئری در جهان، چند جایزه نوبل را شرافتمندانه ربودند و رسانه های ژاپن را غرق شور و سرور ساخته و از زهر و تلخی کساد اقتصادی در دل و جان مردم کاستند و خود نیز یک چند شمع مجالس و محافل شدند.

چهارشنبه ۱۸ اکتبر سال ۲۰۰۸ پرفسور کوبایاشی که به اشتراک دو هم وطن دیگر برنده جایزه نوبل فیزیک اعلام شده بود با موهای همیشه آشفته جلوی دوربین ها آمد و گفت که دیروز این خبر به او رسید که هنوز اعلام عمومی نشده بود؛ او به همسرش تلفن کرد و گفت که چه پیش آمده و حالا هم گرفتار کارهای گوناگون شده است و شب به خانه نمی آید. پرسیدند که خانم به او تبریک گفت یا نه؟ ساده و در یک کلام جواب داد: خوب نه! خبرنگارها رفتند و همان روز صبح خانم را در کوچه کنار خانه شان، وقتی که از خرید

روزانه برمی‌گشت، یافتند و گرفتند به باران سؤال. گفت: شوهرم آدم معمولی است؛ توی خانه تلویزیون نگاه می‌کند و حرف می‌زند و آدم خوبی است، اما تا حالا با هم سفر خارج نرفته‌ایم، و رفتن به استکهلم برای گرفتن این جایزه اولین سفرمان به خارج خواهد بود. یکی دیگر از این سه شریک نوبل آدمی احساساتی است که در مصاحبه با خبرنگارها اشکش درآمد؛ و سومی از سال ۱۹۵۶ به دانشگاه شیکاگو رفته و امریکایی - ژاپنی شده، اما هنوز به ژاپنی متکلم است. استاد احساساتی، پرفسور ماتسو کاوا، که به فاصله چند روز چهره محبوب تلویزیونی شد و بسیاری برنامه‌های «شو» مردم‌پسند را با حضور خود زینت بخشید، مرد خوشرو و خوش طبعی است. فردای آن روز خبرنگارها و دوربین‌های رسانه‌ها همراه او به نخستین کلاس درسش پس از اعلام پیروزی بزرگ رفتند. با شور و شوق و تحرکی بیش از حد انتظار سن خود فرمول‌های فیزیک را روی تخته می‌نوشت و پاک می‌کرد، و هر کدام از دانشجویها که دلش می‌خواست و حالش را داشت گوش می‌داد. پسری هم سرش را روی دو دستش گذاشته و خوابیده بود. در همان ردیف و نیمکت دختری داشت با موهایش بازی می‌کرد و گاهی نگاهی به تخته کلاس که با گچ از فرمول‌های فیزیک سفید شده بود نگاهی می‌انداخت.

استاد کوبایاشی روزی که داشت جایزه‌اش را از پادشاه سوئد می‌گرفت موهای سرش را شانه کرده بود.

۳۹۶ - طبع شعر ژاپنی‌ها

چند روز پیش که به بریده‌های مطبوعات نیم قرن پیش نگاهی می‌انداختم، شرح دل‌انگیزی با عنوان «همه به شعر روی آورده‌اند» در گزارشی دانشگاه درج شده در سی‌امین سالنامه دنیا (ص ۵۱ تا ۵۳) از استاد فقید ریو-ایچی گاموه، استاد بخش زبان‌های هندی و اردو در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو دیدم. نوشته است:

«اگر شما در ژاپن با کسی روبرو بشوید که ناگهان به شنیدن یک صدا یا آه یا رسیدن بویی به مشامش بی مقدمه قلم و کاغذ بردارد و شعر بگوید نباید تعجب کنید.

«چنین صحنه‌ای را شما ممکن است هر روز در هر گوشه کشور آفتاب ببینید. مردم ژاپن شاعر مسلک‌اند، و شعر در تاریخ، درام، و ادبیات ژاپن نقش بزرگی داشته است. بسیاری از شخصیت‌های تاریخی ژاپن که در میدان‌های جنگ جان سپرده‌اند شعری نیز برای اخلافشان به یادگار گذارده‌اند. شاید باور نکنید که شعر حتی جنایتکاری را از چوبه دار رهانیده است:

«سادامچی هیراساوا، هنرمند ۸۲ ساله که ۲۲ سال پیش به جرم مسموم کردن و کشتن ۱۴ کارمند بانک در توکیو در ۱۹۴۸ محکوم شده بود باید به دار آویخته شود، اما برای توبه از بابت جنایاتی که مرتکب گشته به شعر روی آورده است. او با اشعاری که می‌سراید تسکین می‌یابد و بارگناهش را کمتر احساس می‌کند، شعر گویی تاکنون اعدام او را به تأخیر انداخته است.»

«یک مورد دیگر: کیبوشی اوکوئو، ۳۷ ساله، متهم است که سال گذشته هشت دختر را پس از اغوا در تریاها به خانه برده و کشته است. اینک این قاتل هم در زندان شاعر شده است.»

«یک منتقد شعر می‌گوید: برای ژاپنی‌ها همه چیز خیال‌انگیز و منبع الهام و شعر است؛ از پیروزی تا مرگ و شکست؛ از هوای دل‌انگیز تا فصل‌های متغیّر؛ از آب زلال چشمه‌سارها تا آب آلوده دریاها؛ از شکوفایی گل‌های بهار تا برگ‌ریزان خزان.»

۳۹۷- باز یافتن نقش و رنگها

در معبد توشو دایجی در نارا، پایتخت باستانی ژاپن، که ۱۲۰۰ سال قدمت دارد و یگانه ساختمان اصلی معبد مصون مانده از آتش‌سوزی و بازمانده تا امروز است، هنگام جدا کردن چوبها و ستونها از هم برای مرمت تالار اصلی، نقش و نماهای تاری دیده شد که بیشتر رنگ‌های آن، بخصوص آنجا که در معرض جریان هوا بوده، کم و بیش محو شده بود. یکی از محققان دانشگاه نارا کوشید تا با وسایل و روش‌های تازه علمی این نقش و طرحها را که رنگ آمیزی آن در اصل بسیار شاد و زنده بوده است باز یابد. در نتیجه، چند نقش گل‌های خیالی با رنگ‌های زنده (بیشتر نارنجی، سبز، سرخ، و آبی) پیدا شد. درون تالار اصلی هم، که گنجینه ملی میراث فرهنگی ژاپن شناخته شده است، در فضای پیرامون و پشت سر تندیس بودا نقش‌هایی از گل و گیاه برای ایجاد فضا و محیط مطبوع (با، به قول کارشناسان، بهشت بودا) تصویر شده، که اینها هم باز شناخته و نموداری از آن به دست داده شده است.

۳۹۸- ژاپن و برزیل

یکصد سال پیش، در سال ۱۹۰۸ میلادی، ژاپنی‌ها گروه گروه و به امید رفاه و سعادت بیشتر و کشت و آباد کردن زمین‌های حاصلخیز و پهناور، به برزیل مهاجرت کردند؛ چنانکه امروزه ۱/۵ میلیون برزیلی ژاپنی‌تبار در آنجا هستند. این مهاجرت

ژاپنیان به طور نمادین با کشتی کاساتومارو بود، و این مهاجران بیشتر به مزرعه‌داری پرداختند، و از آن میان به کشت و بار آوردن دانه‌های قهوه. شماری از آنها در این کار ماندگار شدند، که نمونه‌شان نوه اوئه‌تا که امروزه سالمندی از نسل دوم مهاجران است و ژاپنی را با لهجه اوکیناوا و تکیه برزیلی حرف می‌زند. ژاپنی‌تبارها در برزیل جامعه خود را دارند و مدرسه‌های فرزندان‌شان را هنوز کم و بیش به شیوه مدارس ژاپن می‌گردانند. شماری از آنها در کار و فعالیت اقتصادی موفق و ممتاز شده‌اند؛ از آن میان یکی که در قریحه مدیریت و صنعتگری ممتاز است و اکنون بزرگترین کارخانه هواپیماسازی برزیل را دارد.

اما گردش احوال و پست و بلند روزگار، برای بیشتر این مهاجران تقدیر را با تدبیر سازگار نیاورد، و جنگ و آشوب‌های نیمه اول سده بیستم، و پس از آن جهش حیرت‌انگیز و معجزه اقتصادی ژاپن در نیمه دوم این سده فاصله‌ای عظیم در رفاه و سطح معیشت میان مردم ژاپن و این مهاجران پیدا آورد، چنانکه بازماندگان اینان در برزیل و در چند کشور دیگر امریکای لاتین در حسرت رفاه و نظم اجتماعی سرزمین اجدادی نشسته‌اند و راهی آسان هم برای بازگشتن ندارند زیرا که نسل چندم این مهاجران که اکنون به عرصه رسیده و بار آمده و آماده وارد شدن به صحنه اجتماع و اقتصادی هستند، بسیاری‌شان ژاپنی نمی‌دانند و با راه و رفتار زندگی در موطن نیاکانشان بیگانه‌اند؛ و اگر هم بر این دشواریها فائق آیند، ژاپنی‌های امروزین آنها را از خود نمی‌دانند و این بازماندگان را ژاپنی - برزیلی یا نسل مهاجر می‌نامند. در گذراندن مدرسه و یافتن کار هم دشواری دارند، و اگر صاحب تخصصی پرخواستار نباشند راهی جز پرداختن به کارهای نیمه وقت و بی‌پشتوانه نمی‌یابند، کارهایی که تضمینی برای ثبات و دوامش نیست و جز زندگی بخور و نمیر و روز به روزی نصیب صاحبش نمی‌کند.

خانم هاساکو هاشیدا که داستان دل‌انگیز اوشین را - که فیلم تلویزیونی - سینمایی ساخته شده از روی آن بسیاری را در سراسر دنیا مفتون خود ساخت - نوشته است، به تازگی داستان تازه‌ای برای نمایش تلویزیونی پیرامون زندگی ژاپنی‌های مهاجرت کرده به برزیل به قلم آورده، که به مناسبت یکصدمین سال این رویداد نمایش داده شده است. یک رویه تاریک این قضیه هم این است که این روزها با کشیده شدن بحران اقتصاد جهانی به ژاپن، بسیاری کارگران ژاپنی تبار برزیلی که در پی زندگی بهتر و برای کار به سرزمین اجدادی خود آمده‌اند بیکار مانده و روزگار سختی را می‌گذرانند.

۳۹۹- کارگاه‌های پارچه‌بافی کیوتو

کیوتو پایتخت قدیم ژاپن، پایتخت هنری این سرزمین هم شناخته می‌شود. از هنرهای بالنده در اینجا پارچه‌بافی و بخصوص پارچه‌های زیبا و هنری کیمونوهای چشم‌نواز ژاپنی و پارچه‌های زربفت و دیگر بافته‌های خوش نقش و نگار است که نیشی جین نامیده می‌شود. مرکز هنر و صنعت پارچه‌بافی ایالت و شهر کیوتو در ناحیه کامی‌گیو این شهر است، و نام نیشی جین بافته‌های زیبای اینجا را تداعی می‌کند. قواره‌های کیمونو، پارچه‌های محکم و خوش نقش برای کمر بند کیمونو (در ژاپنی، آبی)، زری‌بافی و دیگر منسوج‌های هنری از بافته‌های نیشی جین است که طرح و ساخت هنرمندان آن از قرن‌ها پیش پیدا آمده و بالنده شده، و با آغاز عصر جدید کارگاه‌های ماشینی نیز برای تولید انبوه در کنار کارگاه‌های دستی پا گرفته است. کارگاه‌های ماشینی در دوره میجی (۱۹۱۲-۱۸۶۸ م.) نخست از اروپا وارد شد، و بزودی در ژاپن هم ساخت آن رواج گرفت. امروز در ناحیه کامی‌گیو حدود ۲۵۰۰ کارگاه بافت نیشی جین فعال است، که از این شمار حدود ۱/۸۰۰ تای آن ماشینی است.

به تأثیر عواملی چند، این صنعت رو به افول دارد. ارزش عملکرد این صنعت که در سال ۱۹۹۰ به ۲۸۰ بیلیون ین رسیده بود، در سال ۲۰۰۷ به حدود ۶۵ بیلیون ین کاهش یافت، و کارشناسان نگرانند که این صنعت دیر یا زود از میان برود. یکی از دغدغه‌های عمده دارندگان این کارگاه‌ها کاهش مستمر حمایت فنی و مرمتی دستگاهها و چرخ‌های پارچه‌بافی است. ماشین‌های بافندگی طرح و ترکیب و ساختی ظریف دارد، و از حدود ۳۰۰۰ قطعه ساخته شده و نیازمند رسیدگی مرتب و مرمت و تنظیم و تعویض گاه به گاه و استادانه قطعه، است. به تازگی یکی از سه واحد بازمانده مرمت این دستگاهها که نزدیک نود سال در این کار تخصص و تجربه داشت بسته شد، و دو واحد باقیمانده هم امید کمی دارند که بتوانند بیش از چهار- پنج سال دیگر دوام بیاورند. دست اندرکاران این حرفه می‌گویند که امروزه حفظ این صنعت بی‌وجود کارگاه‌های ماشینی دشوار خواهد بود، و نگرانند که یکی از جلوه‌های زیبای زندگی و هنر ژاپن، پارچه‌های خوش نقش و نگار آن، بزودی ناپدید شود.

۴۰۰- پویایی قطار تندرو ژاپن

سری صفر «شین کانسن»، قطار تندرو میان شهری ژاپن، که نخستین نمونه این قطار پیشاهنگ در فن‌آوری جدید ریلی جهان بود که در سال ۱۹۶۴، اندک زمانی پیش از

گشایش بازی‌های المپیک توکیو به راه افتاد، در روز ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۸ با مراسمی خاطره‌انگیز از شور و شتاب چهل و چهار ساله بر روی راه‌های آهنین بازایستاد و در موزه تاریخ علم و فن‌آوری ژاپن آرام گرفت. تازگی‌ها فقط چند نمونه از این ترنها در شبکه ریلی فعال مانده بود، اما پیشرفت‌های نوین ایجاب می‌کرد که واگن‌های تازه و سریع‌تر جای اینها را بگیرد.

بازی‌های المپیک سال ۱۹۶۴ و به راه افتادن «شین کانسین» دو رویدادی بود که ژاپن را در جای قدرت اقتصادی تازه برآمده‌ای در عرصه جهانی مطرح ساخت، و برخاستن مردم سرزمین آفتاب را از خاکسترهای ویرانه جنگ دوم در فاصله کمتر از یک ربع قرن صلا داد. از آن پس و طی چند دهه، پیشرفت راه‌آهن ژاپن در توسعه شبکه‌های شهری و میان‌شهری و نیز بالا بردن سرعت و کیفیت و ایمنی آن محسود بسیاری از جهانیان بوده است، و شماری از کشورها که دیرتر جهش اقتصادی و صنعتی خود را آغاز کردند، از فن‌آوری ژاپن، بخصوص «شین کانسین» که قطار تندرو ویژه‌ای است که زیرساخت، شبکه ریلی، تأسیسات هدایت و برنامه‌ریزی، و واگن‌های خاص خود را می‌خواهد، الگو گرفتند، یا که در واقع با آماده کردن زمینه‌های بایسته این فن‌آوری را خریدند و وارد کردند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ که سفر کوتاهی به سئول پایتخت کره جنوبی رفتم، کره‌ای‌ها به تازگی نخستین خط قطار شهری زیرزمینی خود را با بهره‌گیری از فن‌آوری ژاپنی‌ها و با ایستگاه‌های زیبا و ترن‌های راحت افتتاح کرده بودند و به آن می‌بالیدند.

در سی و پنج سال گذشته که چندین بار در سال با «شین کانسین» ژاپن، بیشتر میان توکیو و کیوتو و اوساکا، سفر کرده‌ام، شاهد پیشرفت بی‌وقفه و افزوده شدن سرعت و شتاب آن بوده‌ام. مسیر توکیو - اوساکا با مسافت نزدیک ۵۰۰ کیلومتر، حدود فاصله تهران و اصفهان، که سی سال پیش‌تر نزدیک چهار ساعت می‌کشید، امروزه در حدود دو ساعت و نیم طی می‌شود، و مسافر در نسل تازه واگن‌های پیشرفته این خط کمترین تکان و ناراحتی احساس نمی‌کند. از آنجا که این ترن مراکز شهرها را به هم می‌پیوندد، از نظر راحتی و زودتر رسیدن به مقصد در مسافت‌های نه چندان دور بر هواپیما هم رجحان دارد؛ زیرا که جدا از راه‌های دور فرودگاه‌ها تا شهر، همان‌گذشتن از دروازه‌های بازرسی ایمنی سفر هوایی خسته‌کننده و دلازار است.

به تازگی نسل ۰۰۷ شین کانسین به راه افتاده، که فاصله بیشتری میان سندلیها، و حتی کنار هر ردیف سندلیها دوشاخه‌های برق برای شارژ کردن تلفن دستی و دوربین دیجیتال مسافران دارد.

شبکه شین کانسین ژاپن چند خط اصلی دارد که توکیو را به غرب و شمال و جنوب ژاپن می‌پیوندد. معروف‌ترین این خط‌ها «سانئو» و «توئوکایدو» است، که از توکیو به کیوتو، اوساکا، کوبه، هیروشیما و تا هاکاتا در شمال جزیره کیوشو می‌رود. خط دیگر توئو هوکو است که از توکیو به شمال ژاپن تا آئوموری و سپس از مسیر تونل بلند زیر دریا به جزیره شمالی هوکایدو می‌رسد. خط دیگری در جنوب غرب ژاپن در جزیره کیوشو امتداد پیدا می‌کند. تازه‌ترین خط شین کانسین در مسیر توکیو به یاماگاتا در شمال غرب ژاپن است؛ ناحیه‌ای با هوای سخت، که زمستانی بسیار سرد و تابستانی به نهایت گرم دارد.

بهره‌گیری از فن آوری پیشرفته شین کانسین هزینه‌گزار دارد، که فقط با درآمد حاصل از سطح بالا و انبوه تقاضا و بهای مناسب بلیت سفر تأمین شدنی است. بهای بلیت در مسیرهای متوسط با قیمت بلیت هواپیما در همان مسیر چندان تفاوت ندارد، و برای مسیرهای طولانی، مانند سفر از شمال به جنوب ژاپن، از کرایه هواپیما بیشتر است؛ اما بسیاری از مسافران با توجه به مزیت‌های سفر ریلی، بخصوص سفرهای کمتر از چهار- پنج ساعته، شین کانسین را انتخاب می‌کنند. از ایستگاه مرکزی توکیو که نزدیک سی سکو برای سوار شدن دارد، کمتر دقیقه‌ای است که قطار شین کانسین به مقصدی در شمال، جنوب، غرب، یا شمال غربی ژاپن به راه نیفتد. به یاد دارم که در حدود سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵ میلادی) که ایران سخت پی‌گیر وارد کردن فن آوری شین کانسین برای احداث قطار تندروی میان تهران و مشهد بود (موازی طرح توسعه گسترده محوطه حرم قدس رضوی، با این هدف که مشهد مقدس به قطب زیارتی در منطقه بدل شود) ژاپنی‌ها به تأکید و تکرار می‌گفتند که این شبکه قطار مسافری اگر حداقل هر پنج دقیقه یک بار قطاری پر از مسافر از ایستگاه مبدأ راه نیفتد، توجیه اقتصادی ندارد. امروز، فقط یکی از چند خط شین کانسین که در مسیر توکیو - اوساکا - هاکاتا در رفت و آمد است (خط توئوکایدو) هر روزه ۴۰۰ هزار مسافر جابه‌جا می‌کند. شین کانسین ژاپن از ابتدا دو گونه قطار داشت: یکی به نام «کوداما» (به معنی پژواک)، که در همه ایستگاه‌های میان راه توقف می‌کند و دیرتر به مقصد می‌رسد، و دیگری «هیکاری» (به معنی روشنایی) که فقط در چند ایستگاه مهم نگاه می‌دارد و تندتر (تقریباً در نیم مدتی که کوداما در راه است) مسافت را طی می‌کند. از چند سال پیش قطارهای پیشرفته‌تری به نام «نوزومی» (به معنی آرزو یا امید) در خط‌های شین کانسین به راه افتاده که سرعت آن نزدیک است که به ۳۰۰ کیلومتر در ساعت برسد، و فاصله توکیو - اوساکا را در مدتی حدود دو ساعت و نیم می‌پیماید.

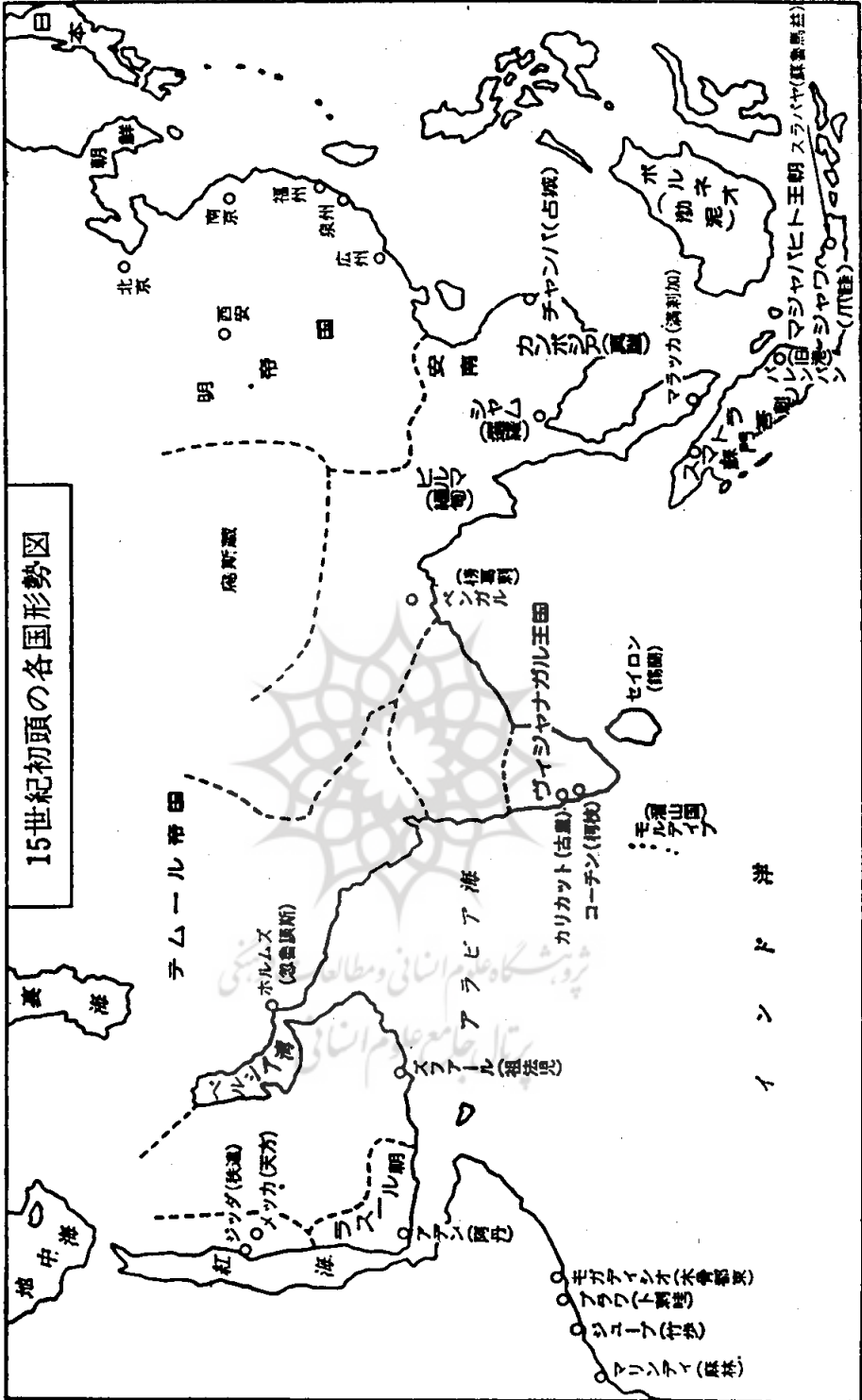
۴۰۱- دریانوردی‌های خواجه‌باشی مسلمان چینی

دوست ایران‌پزوه گرامیم آقای یوشی فُوسا سیه‌کی چندی پیش که سفری تحقیقی به اوساکا آمد کتابی نشانم داد که برای خواندن در میان راه همراه برداشته بود، و شرح سفرهای دور و دراز دریایی یکی از امرا و خواجه‌باشی‌های حرم امپراتور چین در دوره مینگ (سلسله امپراتورانی که در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ حکومت داشتند) است. این کتاب با عنوان «تی‌وا، خواجه‌باشی، دریانورد بزرگ چینی» (به ژاپنی؛ چوکوکو - نو - دای کو کایشا؛ تی‌وا) حاصل کار پژوهنده‌ای ژاپنی به نام تاکانویا ته رادا (انتشارات شیمیزو شوئین، ۱۹۸۴) است که به شرح سفر افسانه‌مانند یکی از خواجه‌باشیان مسلمان امپراتور مینگ می‌پردازد که در دوره حکومت جانشینان تیمور به سفارت و از راه دریایی (به احتمال، از طریق بندر زیتون) روانه غرب آسیا شد تا از ممالکی که امپراتور چین آنها را تابع خود می‌دانست خراج بگیرد. او مسلمان و به احتمال ایرانی یا ایرانی‌تبار بوده، و در این مأموریت به نقاطی در شبه قاره هند و نیز هرمز و نواحی عربستان و تا بحر احمر رفته و شاید که حج نیز گزارده است؛ اما دانسته نیست که در خلیج فارس تا کجا پیش رفته و به ایران هم آمده بوده است یا نه. پس از دیدن غرب آسیا سفرش را در افریقا دنبال کرده و به موگادیشو و مالیندی و کنیا یا تانزانیا کنونی رفته و آنگاه به چین بازگشته است. کتیبه‌ای سنگی با نام او در سریلانکا پیدا شده که به سه زبان چینی و تامیلی و فارسی است، هر کدام با متنی متفاوت، که با ساییدگی و فرسودگی بسیار که دارد بسختی خوانده شده است. کتیبه سنگی نگاشته شده به فارسی تحمیدیه‌ای است که شاید دنباله آن مطلبی داشتند که افتاده یا ساییده شده است.

تحقیق‌ها نشان می‌دهد که امپراتور چین با توجه به مسلمان بودن تی‌وا خواجه سرای معتمد حرم خود او را به مأموریت جمع آوردن خراج به دربارهای غرب آسیا فرستاده بود. چنانکه برتشاید در تحقیق گسترده خود شرح داده، خراج ستاندن امپراتور چین از ممالک دوردست نه برای درآمد مالی آن بلکه رفتاری نمادین برای حفظ موقع خود و نشان دادن برتری و سروریش بر دیگر فرمانروایان آسیا بوده است (برتشاید، و. امیلی؛ ایران و ماوراءالنهر در نوشته‌های چینی و مغولی سده‌های میانه (جستارهای تاریخی و جغرافیایی)، ترجمه هاشم رجب‌زاده، نشر موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۱).

نام خانواده یا لقب خاندانی تی‌وا «اسب» بوده است (در چینی: «ما»، که بسیاری از مسلمان‌های چین این اسم را برای خود اختیار می‌کرده‌اند زیرا که تلفظ آن با تلفظ نام

15世紀初頭の各国形勢図



مسیر سفر تی و ا و بنادری که در اقبانوس هند و شرق افریقا به آنجا رفته است.

中国の大航海者◎鄭和

守田隆信

一五世紀のはじめ、二九年間に七度も大船隊を率いて

東南アジアからインド・アフリカ東岸にまで及ぶ

広い海域に活動した鄭和の事績は、人々を驚かせる

しかし、それは規模の大きさや華々しさのみで

注目されるべきものではない。八世紀の唐末以来、

時代をおって発展してきた海上貿易の歴史を前提としてはじめて、

大航海はなりたつ。「大航海時代」以前に、

東・西アジアの二つの世界は、海路でつながっていた事実を、見逃してはならない

本書は、当時の航海術や造船技術にもふれながら、

鄭和の事績をイスラム新史料にも目をくはりつつ書き下した労作である



高橋新書 052

«محمد» در زبان چینی یکسان است و می‌توانسته‌اند آن را با همان نشانه نگارشی بنویسند. پدربزرگ تی‌وا در حدود سال ۱۲۸۰، در زمان قوییلای قآن، به دنیا آمد، و مسلمان بوده و «بیان» نام داشته، و اسم پدر او هم حاج یاجی («ما» حاجی) بوده، و اجدادش از غرب آسیا به چین آمده بودند.

انتشارات مروارید منتشر کرد:

- فرهنگ نظریه و نقد ادبی / سعید سبزیان و میرجلال‌الدین کزازی
- یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج / بکوشش شراکیم یوشیج
- دیوان رباعیات نیما یوشیج / بکوشش شراکیم یوشیج
- سفر فلیشا / ویلیام ترور / ال‌امه دهنوی
- بگذار مادر بخوابد / مهری رحمانی
- در ستایش سالخوردگی / هرمان هسه / پریسا رضایی
- بفرمایید بنشینید صندلی عزیز / اکبر اکسیر

انتشارات مروارید - تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران پلاک ۱۳۱۲

تلفن ۰۰۸۶۶۰۰۶۶۴